



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۹/۱۴

عبدالجليل جميلی

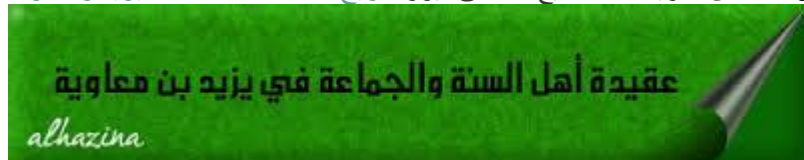
با تقدیم سلام بهمه هموطنان ارجمندیکه با نشر مقاله مورخ اول سپتمبر ۲۰۱۹ دوکتور اسد بودا توسط آقای نجیب الله تحت عنوان :

جنگ یزید و حسین، نه یک جنگ مقدس و رهایی بخش، بلکه جنگ برادران ناراضی بر تقسیم قدرت است !

سوالات زیادی را در و بیسایت وزین افغان جرمن آنلاين مطرح کرده اند - عجالتاً بدینوسیله آن دو مضمون نسبنا پر محتوایی را از آرشف نشرلتی شخصی ام بدسترس شان قرار میدهم که شخصاً خودم هم در طی همه مراتب تا نشر این دو متن کوچکترین رول و مداخله نداشته ام:

متن اولی جداگانه - سنی نیوز 11/7/2014 د. محسن پناهنده - تهران کربلا از نگاه واقعیت

و فعلاً متن- قریب الله مطیع - سنی نیوز تاریخ 11/8/2014 : یزیداز نظر اهل سنت



یزید پسر معاویه پسر ابوسفیان فرزند حرب فرزند امیه اموی دمشقی می باشد. امام ذهبی رحمه الله می گوید: او فرمانده لشکر در جنگ قسطنطنیه بود و در میان لشکریان او افرادی همچون ابو ایوب انصاری وجود داشت. پدرش او را به ولایت عهده پس از خود برگزیده بود و بعد از مرگ پدرش، در حالی که تنها سی و سه سال سن داشت، در ماه رجب سال شصت هجری حکومت را به دست گرفت. و دوران حکومت او کمتر از چهار سال دوام کرد.

یزید جزء کسانی است که نه او را دوست می داریم و نه او را دشنام می دهیم و همچون او در میان خلفای اموی و عباسی و حتی ملوک الطوائفی بسیار اند بگونه ای که کسانی هستند به مراتب از یزید بدتر بودند. تنها چیزی که مساله یزید را بزرگ جلوه داده است، این است که او بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و سلم این مسئولیت را به عهده گرفته است، یعنی پس از چهل و نه سال از وفات پیامبر صلی الله علیه و سلم که خیلی نزدیک به عصر ایشان می باشد که حتی برخی از صحابه هنوز زنده بودند مانند عبد الله بن عمر رضی الله عنه که او از یزید و پدرش و حتی پدر بزرگش به مراتب شایسته تر و لایق تر به خلافت بود!!

یزید دولت خود را با به شهادت رساندن حسین بن علی رضی الله عنه آغاز نمود و با واقعه حره نیز آن را به پایان رساند. به این خاطر مردم با او دشمنی می کردند و عمرش دوام نیاورد، و در این اثنا و بعد از شهادت حسین رضی الله عنه بارها علیه او قیام کردند، مانند قیام مردم مدینه و قیام عبد الله بن زبیر و... نگا: سیر أعلام النبلاء، 38/4. شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله در باره یزید بن معاویه چنین می گوید:

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

مردم درباره یزید به سه گروه تبدیل شده‌اند، دو گروه تندرو، و یک گروه میانه‌رو. نخستین گروه تندرو چنین می‌گویند: یزید کافر و منافق بود، زیرا او به این دلیل نوه پیامبر صلی الله علیه وسلم را به قتل رساند تا از رسول الله صلی الله علیه وسلم انتقام بگیرد و قلب خود را شفا دهد، چون می‌خواست با این کار انتقام خون پدر بزرگش عتبه و برادر عتبه یعنی شیبه و مامای (دائی) خود، ولید بن عتبه و بقیه فامیلهایش که به دست اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم و خصوصاً توسط علی رضی الله عنه در جنگ بدر به قتل رسیده بودند، بگیرد. و حرف و حدیثهایی از این قبیل که این گونه سخن راندن از جانب فرقه رافضی خیلی آسان است، آنان که ابوبکر و عمر و عثمان رضی الله عنهم را تکفیر می‌کنند، تکفیر یزید به طریق اولی برای شان آسانتر خواهد بود. و اما گروه افراطی دوم می‌گویند: یزید مردی صالح و یکی از امامان عدل بوده و یکی از اصحاب به حساب می‌آید که در عهد پیامبر صلی الله علیه وسلم به دنیا آمده و پیامبر صلی الله علیه وسلم او را بر روی دستان خویش گرفته و او را مبارک نموده است، و حتی برخی از آنان یزید را بر ابوبکر و عمر رضی الله عنهما هم برتری می‌دهند، و برخی نیز او را جزو انبیا!!!! دانسته‌اند و بقایای شان تابحال در عراق بنام گروه یزیدی وجود دارند. هرکس دارای اندکی عقل و خرد باشد و دارای کمترین آگاهی به تاریخ و سیرت و سرگذشت پیشینیان باشد، درمی‌یابد که این گفتار باطل و بی‌اساس می‌باشد. بنابراین نمیتوان این سخنان را بهیچکدام از بزرگان و علمایی نسبت داد که دارای اندیشه و عقل سلیم باشند.

اما دیدگاه سوم: این گروه می‌گویند: یزید یکی از پادشاهان مسلمانان بوده که دارای خوبیها و بدیها می‌باشد، او در دوران خلافت عثمان رضی الله عنه متولد شد و کافر هم نبود، منتهی عملکردهای ناشایست او موجب به شهادت رسیدن حسین رضی الله عنه گشت و نیز ناجوانمردانه با مردم حره برخورد کرد، و او نه صحابه پیامبر صلی الله علیه وسلم است، و نه جزو اولیای الله.

این دیدگاه عامه اهل عقل و علم و عموم اهل سنت و جماعت نیز می‌باشد. سپس مردم به سه دسته تقسیم شدند، گروهی او را لعنت و نفرین کردند، و گروهی او را دوست می‌داشتند، و گروهی نیز نه او را دشنام می‌دهند و نه او را دوست می‌دارند، این گفتار از جانب امام احمد بن حنبل نقل گشته و یاران امام احمد و گروههای بسیاری از همه مسلمانان همین سخن را می‌گویند.

صالح بن احمد می‌گوید: به پدرم گفتم: گروهی می‌گویند که یزید را دوست می‌دارند، او گفت: پسر من مگر کسی که به خدا و به روز قیامت ایمان داشته باشد یزید را دوست می‌دارد؟ گفتم پدر جان پس چرا او را نفرین و لعنت نمی‌فرستی؟ فرمود: پسر من تابحال کی پدرت را دیده‌ای که کسی را نفرین و لعنت کرده باشد؟

ابو محمد مقدسی می‌گوید: هنگامیکه در مورد یزید سوال شد که نباید او را دشنام داد و هم نباید او را نیز دوست داشت و در ادامه گفت: چنان شنیده‌ام که درباره یزید از پدر بزرگم ابو عبدالله بن تیمیه سوال شد: ایشان در جواب گفتند: درباره او نه بیشتر از آنچه بوده خواهیم گفت، و نه کمتر از آن خواهیم گفت، و این عادلانه‌ترین گفتار در مورد یزید و امثال او می‌باشد.

نگاه: مجموع فتاوی شیخ الاسلام ابن تیمیه: 481/4-484.